

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۱۰

فصلنامه علمی عرفان اسلامی

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۹

دوره ۲۱- شماره ۸۱- پاییز ۱۴۰۳- حصص: ۲۳۳-۲۵۰

مقاله پژوهشی

تجربه دینی و آسیب‌شناسی آن در آیات و احادیث از دیدگاه امام خمینی (ره)

میترا کاظمی تبریز^۱

محمدتقی فعالی^۲

هادی وکیلی^۳

چکیده

دیدگاه‌های عرفانی عارف برجسته معاصر در آثار برجامانده از ایشان همچون تعلیقه بر شرح فصوص الحکم، مصباح الهدایه، جنود عقل و عشق، اسرار الصلوه...، معرف طریق سلوکی ایشان، در تأسی از نبی اکرم و ائمه اطهار (ع) می‌باشد، وی بر کرات و با قاطعیت اعلام می‌کند که ظاهر و باطن شریعت پیوند ناگسستنی باهم دارند به طوری که ظاهر حقیقت را شریعت می‌دانند که بدون انجام تکالیف شرعی به باطن نمی‌توان دست پیدا کرد و عارف محقق باید به ظاهر و باطن قیام کند «بدون افراط و تفریط» و ترک ظاهر «شریعت» باطل-شدن ظاهر و باطن شرایع است و این از تلبیسات جن و انس می‌باشد. از نگاه امام خمینی (ره) اگر کسی با انجام تکالیف الهی، باطن و هدایتی که در سوره حمد به آن پرداخته برایش حاصل نشده باشد، باید بداند که ظاهر را درست انجام نداده است. از وحدت انسان و جهان درمی‌یابیم که درونی سازی «سفر انفسی» تنها راه شناخت حقیقت هستی است، ایشان وحدت و یگانگی را شرط تحقق شهود و ادراک مستقیم «تجربه دینی» می‌دانند؛ زیرا که مراتب پنج‌گانه عالم در عین تکثر، هویت مستقل از یکدیگر ندارند و جملگی تجلی یک حقیقت هستند، ایشان سفرهای چهارگانه «اسفار اربعه» را شرح می‌دهند، سیر سلوکی سالک و حجاب‌های سلوک الهی الله را محبت و دل‌بستگی دنیا بیان می‌کنند که رعایت موازین شریعت را برطرف‌کننده و خرق حجاب‌های بین حق و قلب انسان می‌دانند و به واسطه آداب شریعت است که سیر انفسی رخ می‌دهد و تجربه دینی برای سالک حاصل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تجربه دینی، امام خمینی (ره)، سلوک، شریعت، سیر الی الله.

۱- دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران.

۲- استادیار عرفان اسلامی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه علوم و تحقیقات، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

M.Faali@gmail.com

۳- دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی، تهران، ایران.

پیشگفتار

عرفان اسلامی از زمان پیامبر (ص) متولد و توسط ایشان و ائمه اطهار (ع) که منتخبین الهی هستند در بیانات و ادعیه ایشان گسترده و تبیین شده است و طی قرون متمادی، توسط عرفای مسلمان و پیروان حقیقی رسالت و امام نشر داده شده است.

در مکتب وحی انبیای الهی خصوصاً حضرت ختمی مرتبت و معصومین علیهم السلام برای رشد و تعالی و تربیت انسان برگزیده شده اند و به عنوان معیار و الگویی حقیقی و عملی در حیات مادی انسان انتخاب گر، چراغ هدایت نوع بشر هستند. در همین راستا علمای مهذب و اولیای الهی که نمونه هایی از انسان های کمال یافته می باشند، این مسئولیت خطیر را پس از ائمه (ع) به عهده گرفته اند و در قرن هفتم ه.ق، با ظهور محی الدین ابن عربی نقطه عطف آن، بایان خاص ایشان مکتوب و عرضه می گردد. در طریق مکتب وی، شارحان زیادی خصوصاً آیت الله شاه آبادی و شاگرد برگزیده ایشان حضرت امام خمینی (ره) حضور پرثمری داشتند و از حضرت امام (ره) در باب مباحث عرفانی متون باقی مانده اسرار الصلاه، مصباح الهدایه، جنود عقل و جهل و که بازتابی از حقیقت راه سلوکی ایشان می باشد، به جا مانده است.

امام خمینی (ره) دارای خصوصیات منحصر به فردی از جمله تقوا، تهذیب نفس، زهد و... هستند و از معدود کسانی که با تأملی از دستورات نبی اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) با پیمودن راه کمال توانستند در زمره اولیای الهی قرار بگیرند و از مصادیق انسان های وارسته و کمال یافته باشند ایشان در کتب ارزشمند خود به تحلیل عارفانه مقامات معنوی اولیای خدا پرداخته اند و در این رهگذر تجارب دینی عرفانی بیان شده این بزرگ عارف معاصر، می تواند راهگشای جان های تشنه معنویت گردد و مسیر درست این گرایش فطری همه انسان ها را تبیین نماید و انحرافات که تجارب معنوی در جهان مکانیزه امروز، به عنوان مکاتب خدا باور و غیر آن، با اسلوب های متفاوت عرضه می گردد، یادآور شود و جویندگان حقیقت را تعلیم دهد.

امام خمینی (ره) علی رغم اینکه مبتکر، فقیه وارسته به شمار می آیند به عنوان عارف برجسته معاصر و احیاگر اسلام ناب رسول الله و ائمه معصومین (ع)، بیان دیدگاه های عرفانی شان و در جهان امروز

بسیار بااهمیت است؛ زیرا که مکاتب و آیین‌های نوظهور، با استناد به عوالم باطنی و معنوی «گرایش به این‌گونه امور به‌صورت فطری در نهاد همه انسان‌ها وجود دارد».

مدعی هدایت نوع بشر به‌سوی کمالات معنوی هستند و چه‌بسا آن‌ها را به گمراهی‌های غیرقابل-وصفی دچار می‌کنند. در این عرصه، بیان تجارب دینی و عارفانه خاصان و وارستگان درگاه حق که وارثان کمالات معنوی پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) هستند بسیار ضروری است و در این مجال کوتاه بایان شیوای عارف بزرگ و احیاءگر اسلام، در عصر حاضر، در باب این مقولات هرچند مختصر آشنا می‌شویم. تا آسیب‌های تجربه دینی را روشن بنماییم و ببینیم که از نظر امام خمینی (ره) چگونه ظاهر و باطن شریعت به همدیگر پیوند دارند و هرگز نمی‌توان بدون انجام شریعت به طریقت یا حقیقت رسید و این دیدگاه عرفان‌های نوپدید که «معنویت بدون دین» را مطرح می‌کنند، بی‌اساس است. لذا باوجود تمام کوششی که برای شناخت امام راحل (ره) انجام گرفته‌است ولیکن هنوز مدعی مجهول‌القدر بودن آن بزرگ هستیم بزرگی و عظمت امام خمینی (ره) از آن‌رو نیست که آن عزیز راحل، فقیهی مؤسس یا اصولی‌ای مبتکر یا فیلسوفی ژرف‌نگر و یا عارفی نظریه‌پرداز بود، هرچند که در تمام این موارد ممتاز بوده‌اند. امتیاز امام راحل را در جهان‌بینی و عرفان او باید دانست خصوصاً عرفان نظری او می‌تواند کاشف از عرفان عملی‌شان باشد. هرچند که این دو مقوله مستقل از هم هستند. (قائم‌مقامی، ۱۳۹۷: ۶۳-۷۵).

مکتوبات عرفانی و ارزشمند ایشان که نمایانگر سیر به‌سوی کمالات انسانی و تقرب الهی است، می‌تواند راهگشای تمامی طالبان حقایق الهی و پیروان راه نبوی و علوی و جوابگوی محکم و قاطعی برای مدعیان دروغین طرق عرفانی و معنوی باشد.

مفهوم تجربه دینی

برای بررسی دقیق‌تر لازم است به توضیح اصلاحات کاربردی، در این خصوص پرداخته‌شود. تجربه در لغت به معنای «آزمون و آزمون» است و در اصطلاح به معنای مشاهده و ملاحظه مکرر دو امر به‌نحوی که برای ذهن یقین حاصل‌شود که بین دو امر رابطه علیت وجود دارد و اتفاقی بودن آن از ذهن زایل گردد (مهدی افشار، ۱۳۸۸: ۷۹۹).

تجربه دینی در معنی عام خود، رخداد درونی (انفسی) و یا بیرونی (آفاقی) است که برای شخص واجد اهمیت است و او می‌تواند در توصیف آن رخداد از مفاهیم دینی استفاده‌کند، در معنای خاص خود تجربه‌ای است که فرد در آن حضور خدا را بی‌واسطه درک می‌کند (درواقع تجربه‌نوعی مواجهه یا آگاهی بی‌واسطه است)، درون نفس انسان به وقوع می‌پیوندد (آگاهی درونی توهم یا ذهنی نیست)

تجربه دینی غیر از تجربه‌های متعارف است و متعلق آن موجودی فوق طبیعی است «موضوع تجربه، خداوند یا تجلیات او می‌باشد» و البته در معرفت‌شناسی جدید مکاشفه و شهود جزو منابع معرفتی به حساب نمی‌آید (مظاهری، ۱۳۹۶: ۲۶).

واژه تجربه همین‌طور به‌طور وسیعی در علوم مختلف، مانند علوم طبیعی، فلسفه دین،... به کار می‌رود و در هرکدام بار معنایی ویژه‌ای دارد (همان: ۱۸).

جایگاه فطرت در تجربه دینی

دارای دو معنی است الف- خلقت (فطر السماوات و الارض) ب- به معنای ملت و کیش می‌باشد. اگر فطرت را به معنی خلقت در نظر بگیریم، فطرت آن عهد است که روز میثاق بر فرزند آدم گرفت (الست بریکم، قالوا بلی) (۱۷۲ اعراف) و هر فرزندی که در این عالم به وجود آید، بر حکم آن اول آید و مقرر باشد که او را صانعی و مدبری است اگرچه او را به نامی دیگر می‌خوانند، یا غیر او را می‌پرستند (میبیدی، ۱۳۷۶: ذیل آیه ۳۰ روم، ج ۷) راه مشترک همه انسان‌ها فطرت آن‌هاست.

جایگاه قرآنی فطرت در ارتباط با تجربه دینی

قران کریم در سوره روم آیه ۳۰، بیانگر این اصل مهم است که خلقت انسان بر مبنای فطرت خداجویی است، یعنی از ادیان ابتدائی که با عنوان کلی شامانیسم تا ادیان ابراهیمی، ادیان خاور دور همانند بودیسم، تائوئیسم و... علی‌رغم تفاوت بسیار زیاد «به فاصله سراب تا سرچشمه زلال حقیقی» به واسطه همین عنصر فطری مشترک، انسان‌ها هریک به‌گونه‌ای در جهت تعالی معنوی سیر می‌کنند. تجربه‌ها در راستای فطرت توحیدی که مشترک همه انسان‌هاست، قرار می‌گیرد ولی با توجه به تأثیر اعتقادات، اعمال آیین‌ها در شکل‌گیری تجربه‌های عرفانی، آن‌ها به سطوح برتر و فراتر خالص یا ناخالص تقسیم می‌شوند (مظاهری سیف، ۱۳۸۸: ۱۳).

به تعبیر ملاصدرا، اگر حجاب نفس نباشد، هرکس به اندازه وسع و کمال خود استعداد آن را دارد که نوری از انوار جبروت بهره‌مند شود. نظریه آیت‌الله شاه‌آبادی در مورد فطرت

آیت‌الله شاه‌آبادی علیه‌الرحمه می‌فرماید، اگر به فطرت خود مراجعه کنیم آن را عاشق کمال و بلکه خیر مطلق می‌یابیم، چنانکه پیامبر (ص) به وجود چیزی که اکمل از آنچه در طبیعت است در ملکوت خیر داده‌اند، انسان نوای فطرت را می‌شنود که من عاشق کمال محض و جمال مطلق هستم (شاه‌آبادی، ۱۳۸۸: ۳۶، ۳۷) از نظر امام راحل (ره) برهان فطری به واسطه همگانی و همیشگی (ذاتی) بودن، برهانی استوار و تخلف‌ناپذیر است که شامل همه انسان‌ها می‌شود و به واسطه کاربرد وسیعی که این برهان دارد، از آن به‌عنوان کلید گشایش قلب زنگارگرفته راس هرم مادیت (ماتریالیسم) در دوران معاصر،

مددگرفته و از آن در جهت پرده‌برداری از فطرت حجاب گرفته یاری جسته‌است. پیامبر (ص) خود را مذکر معرفی می‌کند یعنی انسان‌ها از عمق جان با فطرت توحیدی آشنایی پیشین داشتند و پیامبر (ص) آن‌ها را یادآوری می‌کند (قائم‌مقامی، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

دیدگاه امام خمینی (ره) در مورد فطرت و آسیب‌شناسی آن

در تمام موجودات، حُب ذاتی و عشق جبلی وجود دارد و آن جذبه الهیه و عشق ربانی، متوجه کمال مطلق و طالب عاشق جمیل علی اطلاق می‌باشد (حدیث کنز) و خداوند برای هر یک از آن‌ها نوری فطری و الهی قرار داده که به آن نور، طریق وصول به مقصد و مقصود را دریابند، این نار و نور رفر و وصول و براق عروج است. نور هدایت حق تعالی و آن نار توفیق الهی و سلوک به طریق اقرب صراط مستقیم است و حق تعالی بر آن صراط مستقیم است شاید اشاره به این هدایت و سیر مقصد باشد؛ «۵۶ هود» هیچ جنبنده‌ای نیست جز آنکه ناصیه‌اش «زمام اختیارش» به دست خداست و همانا پروردگار به راه راست است. باید دانست که هر یک از موجودات را صراطی خاص به خود و نور و هدایتی مخصوص است حدیث منسوب به پیامبر(ص) (الطرق الی الله بعد انفاست الخلاق، بر همین مبناست.

مقنندند اگر حب ذاتی حضرت حق نبود هیچ موجودی از موجودات عالم پا به عرصه ظهور نمی‌گذاشتند و به هیچ وجه کمالی از کمالات نمی‌رسید و حتی به نظر ایشان آسمان بر پایه عشق استوار است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹، ۷۱-۷۲). و بنابراین در مکتب امام خمینی (ره) انسان عاشقی است که با باطنی صاف و نورانی و عاری از هرگونه نقص کدورت به همه موجودات عشق می‌ورزد و همه انسان‌ها از چنین عشقی برخوردارند اما انسان‌هایی که با کمالات عالی متصف شده‌اند، معشوق خاص و محدود می‌طلبند و معشوق حقیقی همواره در پرتو نور خود مختلفی است، پس حجاب‌های ظلمانی و نورانی باید خرق شوند.

هر مرتبه از حقیقت هم حاجب است و هم کاشف (پدیده‌ای که هم پوشاننده و هم برملا کننده می‌باشد) ویژگی که مختص حقیقت نیست بلکه هر یک از اسماء الهی چنین خصوصیتی دارند (هم حجاب‌اند و مانع رسیدن به ذات حق و هم موجب شناخت و هدایت‌کننده به حقیقت ازلی‌اند) (قائم‌مقامی، ۱۳۹۷، ۶۰).

ایشان در محرم راز می‌فرمایند هر انسانی بلکه هر موجودی بالفطره عاشق کمال است اگر عالم می‌جوید چون کمال است آن را می‌جوید و همین‌طور قدرتمندان دنبال قدرت‌های بالاتر می‌گردد و خود نمی‌دانند که «قدرت مطلق» همان وجود مطلق است و این عشق ذاتی به کمال‌گرایی منشأ حرکت

و پویایی شده و از نظر ایشان «امام خمینی (ره)» هر حرکتی از جانب انسان صادر می‌شود از این خواست فطری است؛ بنابراین «آرمان‌طلبی انسان» مفهوم بخش حیات و زاینده تلاش اوست. هر کس هر عملی انجام می‌دهد برای آن است که آن را یک چیز خوبی می‌داند، یک کمالی می‌داند، همه دنبال کمال‌اند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۸، ۱۲:۲۲۴). حرکتی واقع نمی‌شود جز برای او و برای وصول به او و قدمی برداشته نشود جز به سوی کمال مطلق (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۱۵۵)، از این رو موجودات عالم گرچه موجوداتی مقید به حدود و مرزهای خویش به نظر می‌رسند ولی با وجه باطنی و سر نهانی خود در حقیقت، عین مطلق «غیب مستتر» هستند، انسان جامع جمیع عالم «سایه و نشانگر حضرت جامع الهی» عالم اعیان «سایه حضرت غیب مطلق» عالم عقول و نفوس «سایه غیب مضاف به غیب مطلق» و عالم ملک «سایه حضرت شهادت مطلق خواهد بود» در نتیجه علم و شهود حق نسبت به اشیای عالم به صورتی مستقیم و بلافاصله در آن‌ها نفوذ و سریان دارد، اشیای عالم، وجود و هویتی جز حقیقت مطلق قیومی و حق، بر محیط عالم ندارد (وکیلی، ۱۳۸۹، ۲۰۱) و این‌گونه بایان امام راحل (ره) مشیت حق تعالی و تعینات آن تبیین می‌گردد. از دیدگاه امام خمینی (ره) کدورت طبیعت، نور فطرت را که چراغ هدایت است خاموش می‌کند و آتش عشق را که وسیله عروج به مقامات عالی است، فرومی‌نشانند، علاج این بیماری را در سلوک علمی و عملی و کسب طهارت می‌دانند، طهارت در نگاه ایشان به دو نوع ظاهری و باطنی تقسیم می‌شود. در مورد «تنها با» طهارت ظاهری رسیدن به طهارت باطنی و انسانیت امکان‌پذیر نیست (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۱۵، ۱۱۴) محبت به دنیا و دل‌بستگی به آن هرچه بیشتر شود حجاب میان انسان و حق «پرده میان حق و قلب» ضخیم‌تر می‌گردد و در نتیجه از محبوب حقیقی غفلت می‌ورزد، وی حجاب‌های ظالمانی را که بعضی از بزرگان هفتاد هزارش دانسته‌اند «به تعلقات قلبیه تعبیر کرده‌اند» هرچه عمیق‌تر شوند خرق آن‌ها مشکل‌تر است، این محبت نتیجه دو قوه شهویه و التذایه است که خداوند برای حفظ نوع بشر قرارداده است (امام خمینی (ره) ۱۳۷۵: ۱۲۱). محبت به دنیا، وجود او را پر ساخته و او را به سوی طبیعت و امور جزئی و مادی فرامی‌خواند «می‌تواند سرمنشأ تمام خطاها و لغزش‌های او شود و او را از مقام انسانیت تنزل بخشد و از حضور قدس ربوبی غافل گردد» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳: ح ۴، ۴۸)

جایگاه مشیت مطلقه در تجربه دینی از دیدگاه امام خمینی (ره)

نسبت مشیت مطلقه به مظاهر در اصطلاح، به تعینات و تجلیات تعبیر می‌شود و مشیت در اصطلاح عرفانی عبارت است از اراده حق برای تحقق عینی اشیاء، سلسله وجود از عالم غیب و شهود، از تعیبات و مظاهر مشیت به‌شمار می‌آیند. اراده الهی در همه موجودات ارضی و سماوی نفوذ و جریان

دارد و هیچ‌یک از موجودات ظهوری جز ظهور مشیت ندارند ولی در عین حال مشیت در لباس تعینات، محجوب ذات است و هر کس به قدر عرفان خویش به حسب هویت وجود می‌تواند شهود کند، در نتیجه تجلی این حقیقت از عالم ملک تا ملکوت و از ملکوت تا جبروت برای اهل شهود متفاوت است. حال اگر سالک راه حق بتواند تجلی حق را در مظاهر خلقی چنان ادراک کند که حق از خلق و خلق از حق حجاب نگردد به نحوی که وحدت را در لباس کثرت و کثرت را در عین وحدت شهود کند، اسرار و رموز الهی برای وی منکشف می‌گردد (وکیلی، ۱۳۸۹: ۱۵۹-۱۶۰)؛ و این امر به نوعی تجربه دینی محسوب می‌گردد.

جایگاه حواس و ادراک در تجربه دینی

امام راحل (ره) در آداب‌الصلوه به انواع حجب اشاره دارند که به ترتیب، جسم مادی، نفس، قلب، روح، سرّ خفی نام دارد و راه به در آمدن از حجب را سلوک علمی و عملی می‌دانند که در این صورت چشیدن شیرینی محبت الهی را برای سالک امکان‌پذیر می‌سازد. ایشان از نفس ناطقه به عنوان حقیقتی که به صورت فرشته‌ای زیبا بر انسان جلوه می‌کند، یاد می‌کنند که می‌توان جانشین خداوند بر روی زمین باشد بدین ترتیب نفس با تزکیه می‌تواند از آگاهی به فرا آگاهی ارتقایابد، از مرتبه مادون نفس به مرتبه نفس مطمئنه می‌رسد و ذکر ریاضت، خلوت، باعث گشودن حواس باطنی می‌گردد.

و در این حالت روحانیت نفس، خود را به صورتی زیبا می‌بیند که رؤیت حقیقت و دیدن نفس (من عرف نفسه فقد عرف ربه) در متعالی‌ترین کار عقل نیست، بلکه ابزار و وسایل دیگری لازم است که عرفا از آن به دل، حس باطنی یاد می‌کنند، عرفا، حواس باطنی را به عدد حواس پنج‌گانه ظاهری برشمرده‌اند و معتقدند که قلمرو و ادراک حواس، ظاهر عالم ظلمت دنیا و قلمرو ادراک حواس باطن، عالم نور ملکوت است مولانا در مثنوی دفتر دوم بیت ۴۴۹ و ۵۱ می‌گوید: پنج حسی هست جز این پنج حس / آن چو زر سرخ این حس‌ها چو دس / حس ابدان قوت ظلمت می‌خورد / حس جان از آفتابی می‌چرد) و چنین معرفتی را شهود یا دریافت می‌نامند (طباطبایی ۱۳۹۲: ۶۸).

امام خمینی (ره) حتی شعور و آگاهی همه موجودات هستی را مورد تأکید قرار داده و می‌فرماید همین موجودات پایین که از انسان و حیوان پایین‌ترند، ادراک دارند، همان ادراکی که در انسان هست در آن‌ها هم هست، در روایات تسبیح بعضی از موجودات را ذکر کرده‌اند که تسبیح چه هست تسبیح سنگریزه‌ای در دست رسول‌الله بود، تسبیحی است که گوش من و شما اجنبی از اوست، نطق حرف و لغت است اما نه به لغت و نطق ما، ادراک است منتهی ادراک به اندازه سعه وجودی خودش (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ۲۴-۲۵).

همه موجودات دارای عوالم سه‌گانه هستند و گرنه تطابق عوالم نقض می‌شود. غایت تفاوت میان موجودات در مقدار بهره‌وری از عوالم و ظهور بروز آن‌هاست. به لحاظ سیر نزول حیوان بُعد دورتر از جمادات و نباتات نسبت به حق تعالی است بنابراین آدمی بالفعل محجوب‌تر از جمادات و نباتات است ولی انسان «انتخاب‌گر» می‌تواند در سیر صعودی از جلباب بشریت خارج شده و خرق حجب کثرت و غیریت بکند (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳: ۱۶۶).

نهایت هدایت الی الله در سوره حمد

در سوره حمد غایت تربیت و هدایت، حرکت در صراط مستقیم است و منتهی الیه این صراط مستقیم کمال مطلق «الله» است و دعوت شده‌ایم که تحت تربیت انبیاء و بزرگان اولیا واقع بشویم که آن‌ها ما را به راه مستقیم هدایت‌کنند؛ و اگر خود را بار بیاوریم «غیر المغضوب علیهم و لا الضالین» بدترین موجودات نخواهیم بود (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۵۳، ۱۵۴: ۱۴) تمام انبیاء از صدر عالم تا آخر برای این آمده‌اند که این آدم را از آن راه کج و راه‌های باطل هدایت‌کنند به صراط مستقیم انسانیت که یک سرش انانیت و سر دیگرش عنادالله است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۱۵: ۶۹).

هر انسانی صراطی مخصوص به خود دارد و در حال سیر است «صراط مستقیم، صراط منحرف به چپ یا راست منتهی به جهنم باشد نیست» باطن صراط مستقیم در این جهان است و هر کس با اندازه سیرش در این صراط «در جهان دیگر» نیز همین سیر را منعکس می‌کند. خلقت و فطرت انسان بر استقامت و نیکی است، حَبْ به خیر سرشت انسانی است و ما خود «انتخاب‌گر» سرشت را به انحراف می‌کشانیم و ما خود حجب را می‌گسترانیم (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ۲۵۳).

این شیفتگان که در صراط‌اند همه جوینده چشمه حیات‌اند همه
حق می‌طلبند و خود ندانند آن را ر آب به دنبال فرات‌اند همه

(امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۴۴۸ - ۴۵۰: ۱۸)

مراحل سیر و سلوک وصول به معرفت از نظر حضرت امام خمینی (ره) در مورد اسفار اربعه

اسفار اربعه در تجربه دینی از دیدگاه امام خمینی (ره) از این قرار است:

۱- سفر از خلق به سوی حق (سفر من الخلق الی الحق)

در این مرحله آغاز سفر و گام نخست برای سیر و حرکت معنوی است، سالک الهی می‌کوشد تا حجاب‌های مختلف عالم کثرت را به صورت کامل پشت سر بگذارد (حجاب کثرت که او را از مشاهده نور وحدت محروم ساخته است) وی پس از گذر از «مقام نفس» که همان گرفتاری در کثرت محض و حجاب‌های ضخیم است، به مقام قلب می‌رسد، یعنی مقام توجه به عالم غیب همراه با توجه به عالم

شهادت. گرچه سالک در این مقام، حجاب ظلمانی ندارد، اما گرفتاری حجاب‌های نوری است و هنوز به‌طور کامل از کثرت رهایی پیدا نکرده‌است لذا باید تلاش کند تا به مقام روح برسد تا در این مقام از چنگ قوای بدن و آثار طبع و نفس کاملاً نجات یابد و به روحانیت عالم قدس بپیوندد، پس از این مرحله از سیر الی الله باید بکوشد تا به مقام «مقام سر» ترقی کند و با حق و جمال الهی آشنا شود و اسرار الهی را در همه موجودات مشاهده‌کند و مقام سر، اعراض از خلق و فنای در توحید است. پس از این مقام خفی است، سالک در این مقام تنها خدا را مشاهده می‌کند در حالی که در مقام سر خدا را در موجودات هستی مشاهده می‌کرد، در مقام خفی گرچه فنای در حق حاصل می‌شود ولی سالک توجه به فنای خود دارد، به همین جهت هنوز به وصال حق نرسیده‌است، سالک بعد از مقام خفی باید سعی کند تا به مقام اخفی نائل گردد مقام فنای در حق به‌طوری که به فنای خود هم توجه ندارد وصال حق در این مقام نصیب سالک می‌شود، بدین ترتیب، مرحله اول سفر به پایان می‌رسد و سالک به دریای بی‌کران هستی مطلق می‌رسد (صادقی ارزکانی، ۱۳۸۷: ۱۶۹-۱۷۰). مولانا درباره این مقام گفته‌است:

(مقام خفی) در خدا گم شو کمال این است و بس گم‌شدن گم کن وصال این است و بس (مقام اخفی)

چنانکه مولی متقیان در مناجات شعبانیه در همین راستا می‌فرمایند: الهی هب لی کمال انقطاع الیک و انر ابصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجج النور، فتصل الی معدن العظمه و تصیرا رواحنا معلقه بعز قدسک. خداوندا مرا به انقطاع کامل به سوی خود عطا فرما و دیدگان دل ما را به نوری که با آن تو را مشاهده‌کند روشن ساز تا اینکه دیده بصیرت ما حجاب‌های آن نور را پاره نموده و به معدن عظمت راه یابد و ارواح ما به مقام عزت قدسی تو بپیوندد (مفاتیح‌الجنان).

امام خمینی (ره) این فراز شریف مناجات شعبانیه را نهایت آرزو و آمال و سالکان طریق حق می‌شمرد و غرض از بیان آن را جلب خوانندگان به‌غایت بعثت انبیا که همان شناخت و درک معارف الهیه و تذهیب باطن است، می‌دانند. در جای دیگری می‌فرمایند، این کمال انقطاع، خروج از منزل خود و خودی و هرچه و هر کس، پیوستن به اوست و گسستن از غیر، هبه الهی است به اولیای خلص پس از صعق حاصل از جلال که دنبال گوشه چشم نشان‌دادن اوست و ابصار قلوب تا به ضیاء نظر او نیابند، حجج نور خرق نشود و تا این حجب باقی است راهی به معدن عظمت نیست و ارواح تعلق به عز قدس را در نیابند و مرتبت تدلی حاصل نیاید «ثم دنی فتدلی» (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۵: ۳۸ و ۳۹).

و ادنی از این فنای مطلق و وصول مطلق است (سوره نجم آیه ۹)

صوفی! زره عشق صفا باید کرد عهده‌ای که نموده‌ای وفا باید کرد

تا خویشتنی، به وصل جانان نرسی خود را به دولت فنا باید کرد

(امام خمینی ره، ۱۳۶۸، مقالات)

نجوای سرحق با بنده خاص خود صورت نگیرد، مگر پس از صعق و اندکاک جبل هستی خود

(امام خمینی ره، ۱۳۷۸، ۱۸:۴۴۴).

سفر از حق به سوی حق با حق (سفر من الحق الی الحق بالحق)

پس از آنکه هستی سالک در اثر فنای در وجود حق و محو در توحید شدن، حقانی شد در و احادیث وجود محو می شود و از کثرت به طور کامل رهایی می یابد و پس از آنکه عنایت الهی شامل حال او شد، به مقام صحو بعد از محو نائل می شود و صاحب مقام ولایت می گردد، سالک سیر در اسماء و صفات حق می کند و علم به اسماء و خواص اسماء پیدامی کند و از مظاهر اسماء که اعیان ثابت است آگاه و از مقتضیات آن ها باخبر می شود «اقتضای هر اسم را نسبت به مظهر خود مشاهده می کند» و از اسرار قضا و قدر اطلاع می یابد دارای ولایت تامه الهیه شده و ذات و صفات و افعال خود را فانی در حق و صفات و افعال او می نماید. لذا با حق می بیند و می شنود و می گوید. با انجام هر کدام از عبادت (فرائض یا نوافل) قرب ویژه ای نصیب انسان خواهد شد. عبادت های مستحبی باعث می شود انسان محل تجلی اسماء و صفات حق شود و در نتیجه تمام مجاری ادراکی و تحرکی او حقانی می گردد و انسان با عبادت های مستحب، به فنای فی الله می تواند نائل آید و به مقامی برسد که با حق بیند و با حق بشنود و به تعبیر دیگر حق، چشم و گوش و دست او شود (ارزگانی، ۱۳۸۷: ۱۶۹ - ۱۷۳). قرب نوافل نصیب سالک مجذوب می شود و بنده باقی به بقای خداوند شده و توفیق الهی نصیب او می گردد و ثمره و پیامد قرب نوافل تخلّق به اخلاق الهی و نیل به فنای صفاتی است.

آسیب شناسی اسفار اربعه و هدایت در تجربه دینی از نظر امام خمینی (ره)

هدایت در نگاه امام (ره) بدون عنایت خاص الهی تحقق یافتنی نیست اما عده ای از این محبت فراگیر و دائمی خداوند غافل اند. دسته اول محجوبینی که سفر الی الله (در سیر صعودی) را به پایان رسانده و در مقام جذبه و فنا باقی می مانند. اینان همه محجوبانی اند که خدا درباره شان می فرماید: اولیائی تحت قبائی لایعرفهم غیری.

دسته دوم محجوبینی که پس از اتمام سفر به حالت صحو و هوشیاری بازمی گردند، اینان با تجلی فیض اقدس که بزرگان عرفان سر قدرش می خوانند، برای هدایت محرومان و مشتاقان کوی دوست خود بازگردانده می شوند، اینان محجوبینی هستند به زینت خلعت نبوت مزین می شوند که شأن و جلوه ای از محبوب مطلق اند و انسان را به سوی محبوب حقیقی فرامی خوانند (قائم مقامی ۱۳۹۷: ۱۲۹).

غلو و آسیب‌شناسی هدایت

ایشان در تفسیر سوره حمد مراتب هدایت بشر را در سیر الی الله این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کنند. اول نور هدایت فطری است در این مرتبه از هدایت «صراط مستقیم» سلوک الی الله، از حجاب‌های معاصی است. دوم، هدایت به نور قرآن «وقف به ظاهر و باطن آن» عارف محقق باید قیام به ظاهر و باطن کند (افراط و تفریط بین ظاهر و باطن نکند) و اهل باطن باید بدانند که وصول به مقصد اصلی و عنایت حقیقی جز تطهیر ظاهر باطن نیست و بدون تلبس به لباس ظاهر شریعت، راه به باطن نتوان پیدا کرد، پس ترک ظاهر، باطل شدن ظاهر و باطن شرایع است؛ و این از تلبیسات جن و انس است که در اربعین حدیث ذکر شده است. سوم هدایت به نور شریعت است، چهارم به نور اسلام است. پنجم هدایت به نور ایمان و ششم هدایت به نور یقین است و هفتم به نور عرفان و هشتم هدایت نور محبت و نهم هدایت به نور ولایت و دهم هدایت به نور تجرید و توحید است و برای هر کدام از مراتب افراط و تفریط، غلو تقصیر است (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۵).

دیدگاه امام خمینی (ره) درباره مقامات معنوی حضرات معصومین

این سفرها حتی سفر چهارم (لازمه نبوت تشریعی بود) برای اولیای کامل الهی حاصل می‌گردد چنانچه برای مولای ما امیرمؤمنان و فرزندان معصومش حاصل شده است و تفاوتشان با پیامبر (ص) تنها در این است که رسول گرامی اسلام (ص) صاحب‌مقام جمعی است «مقام جمعی بالاصاله» برای رسول‌الله (ص) و به‌طور تبعی برای جانشینان معصوم وی ثابت بوده و بلکه روحانیت همه آن‌ها یکی است. امام راحل (ره) از قول استاد خودشان می‌فرمایند: بزرگ استاد ما در معارف الهی، عارف کامل شاه‌آبادی می‌گفتند: اگر علی علیه‌السلام قبل از رسول‌الله (ص) ظاهر می‌شد (به دنیا می‌آمد) پیامبر مرسَل می‌شد چراکه آن‌ها در روحانیت و در تمام مقامات معنوی و ظاهری اتحاد دارند در آیه مباهله از وجود مقدس حضرت امیر (ع) به‌عنوان رسول‌الله یاد شده است (قائم‌مقامی، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

بهره‌مندی سایر مردم از مراتب سلوک و سیر الی الله (تجارب دینی) از دیدگاه امام خمینی (ره):

هدایت مراتب متعددی دارد اما هدایتی که از شئون امامت است، فراتر از رهنمود و به‌اصطلاح «ارائه طریق» است. قرآن کریم از این هدایت خاص، تعبیر به هدایت امر کرده است (۷۲ انبیا) «و جعلنا هم ائمه یهدون بامرنا» آنان را پیشوایانی قدار داریم که با فرمان ما هدایت می‌کردند. این هدایت از شئون امامت محسوب می‌شود، در حقیقت نوعی تصرف تکوینی امام (ره) در دل‌ها و جان‌های مؤمنان است که با آن هدف، راه را برای دل‌ها به‌سوی کمال و انتقال آن‌ها به‌مراتب بالاتر هموار می‌سازد. (قائم‌مقامی، ۱۳۹۷، ۱۸۴).

در آداب الصلوه_ مجدد یادآور شده‌اند از اولیا الله که به‌حسب انوار معنویه و حقایق الهیه با روحانیت آن ذات مقدس مشترک و به‌واسطه تبعیت تامه، فانی در آن حضرت شدند می‌توانند مکاشفه علوم کاشفی را بالوارثه از آن حضرت تلقی کند و حقیقت قرآن به همان نورانیت و کمال که در قلب مبارک آن حضرت تجلی می‌کند به قلوب آن‌ها منعکس شود... و کسی که تحمل این قرآن را می‌تواند بکند وجود شریف ولی الله مطلق علی بن ابی طالب علیه‌السلام (است) و سایرین نتوانند اخذ این حقیقت کنند مگر با تنزل از مقام غیب... کسوه الفاظ و حروف (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳، ۱:۱۸۱).

تجارب دینی ائمه در ادعیه

در دعای شریفه و نورانی عرفه سیدالشهدا، می‌فرمایند: لطایف عرفانی و مقامات شهودی در ادعیه ائمه اطهار نهفته‌است و آیا برای غیر تو نور و ظهوری هست که از آن تو و پرتو نور تو نباشد تا آن ظاهرکننده وجود تو تلقی شود؟ تو هرگز پنهان و از دیده‌ها غایب نیستی تا به کمک دلیل تو را بیابیم و هرگز دور نبوده‌ای تا از طریق آثار به تو برسیم، کور است چشمی که تو را در حقایق هستی مشاهده نمی‌کند، ضرر کرده‌است، کسی که از عشق و محبت تو نصیبی ندارد. (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۳، ۱:۱۳۱).

ارتباط مشاهدات «تجربه دینی» و شریعت نبوی از نظر امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در تعلیقیه بر شرح فصوص می‌فرماید: «طریقت»، جز از راه شریعت حاصل نخواهد شد، زیرا ظاهر راه باطن است. کسی که چنین می‌بیند که با انجام تکلیف‌های الهی، باطن برای او حاصل نشده، بداند که ظاهر را درست انجام نداده و کسی که بخواهد به باطن برسد بدون راه ظاهر، مانند برخی از صوفیان عوام، او هیچ دلیلی از طرف خدا ندارد (امام خمینی، ۱۴۱۰ ق، ۲۰۱).

نخست مشاهده‌ای که برای عارف رخ می‌دهد تردیدی در واقعیت رخداد ندارد و بر وقوع آن اطمینان دارد، عواطف و احساسات وی را تحریک می‌نماید «رخداد چه‌بسا برای دیگران بی‌معنا و غیرقابل درک است» ولی این مرحله برای معرفتی دانستن آن کافی نیست زیرا ممکن است «واقعیه» تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار گرفته و نادرست باشد. اثبات معرفت آمیز بودن مشاهده عارف، آن را تا سطح مشاهده عرفانی ارتقا می‌بخشد. در این مرحله است که عارف می‌تواند به مشاهده خود اعتماد نماید و آثار لازم را بر آن مترتب سازد.

در مرحله بعد طی فرآیندی باید بتواند مضمون مشاهده عرفانی را توجیه نماید؛ و لازمه توجیه- پذیری برخوردار از توانایی منطقی و عقلانی «ایجاد باور در کسانی که فاقد این تجربه‌اند» می‌باشد. این مراتب شامل ۱ (تعبیر از صورت ظاهری شهودی به باطن حقایق و معانی درونی ۲) توصیف آن در قالب زبانی منطقی (عرفان نظری) ۳) استدلال و اثبات عقلانیت که همه‌پذیر باشد (حوزه فلسفه)

(قائم مقامی، مقاله، ۱۳۸۱) نتیجه آنکه عبور از منازل حس و خیال و عقل، گذر از برازخ سافله، عالیه، به سوی عالم آخرت و سپس به سوی عالم اسماء و صفات و از آنجا به احدیت جمع (جمع تعنیات عینی و علمی فانی است).

امام (ره) می‌فرماید: مشاهده پدیده‌های غیبی آنگاه امکان‌پذیر است که نفس آدمی از جهان مادی جدا شود و به جهان غیب سفر کند سفر بیرونی نیست بلکه بازگشت انسان به جهان غیبی و درونی خویش است و این مطلب بیانگر این نکته مهم است انسان و جهان هستی دو پدیده مستقل و جدای از یکدیگر نیستند «به قول ابن عربی، انسان جهان صغیر و عالم انسان کبیر است» تا دستیابی و که گاهی انسان بر حقایق جهان، نیازمند سلوک بیرونی باشد بلکه حقیقت آن دو، یکی است.

وحدت انسان و جهان به ما می‌آموزد که درونی سازی، تنها راه شناخت حقیقت هستی است جهان به‌عنوان پدیده بیرونی باشد، شهود و شناخت مستقیم آن مسیر نیست و به هر میزان که فاصله درون و بیرون زده‌شود، بیرون در درون بازتولید، شهود و رؤیت حقیقت ممکن می‌گردد «امام (ره) وحدت و یگانگی را شرط تحقق شهود و ادراک مستقیم می‌داند» ابن عربی نیز معرفت شهودی را برآمده از وجه خاص و سر وجودی انسان (مدرک) می‌داند و معتقد است که حقیقت هر چیزی در سد وجودی و اعماق درونی آدمی نهفته است و بدین‌سان برای شناخت هستی به بیش از شناخت خود و «سفر انفسی» نیاز ندارد.

حال این جدا شدن «نفس انسان از طبیعت مادی»^۱ گاه در خواب که نفس آدمی به‌طور طبیعی از اشتغالات روزمره زندگی فارغ می‌شود، رخ می‌دهد و گاه همان حالت فراغت و رهایی، در بیداری میسر می‌شود و در عین هوشیاری، جدایی از طبیعت و سفر به درون حاصل می‌گردد و امکان شناخت مستقیم و شهود پدیده‌های جهان را فراهم می‌سازد، شناختی که برآمده از متن آگاهی پیشینی دیگری نیست و دانسته‌های آن بدیع و تازه‌یاب است؛ و آنچه که مهم است و امام خمینی (ره) بر آن هشدار داده، تفاوت و تناوب این سفر به تناسب توانایی و ظرفیت سالکان می‌باشد. هرچه نفس سالک صیقل دیده‌تر باشد به مراتب بالاتری از جهان غیب راه می‌یابد و به اقتضای همین تناوب، مشاهدات عارفان نیز یا در «مثال مقید» رخ می‌دهد و یا از آن گذر کرده و به «مثال مطلق» می‌رسد.

به گفته امام خمینی (ره) مهم‌ترین تفاوت «مثال مطلق» با مثال «مقید» در نوع شهودات آن‌هاست شهودات مثال مطلق، پیراسته از صورت و مشاهدات مثال مقید، در پس صورت رخ می‌دهد. «صورت»

آن لباس و پوششی است که بر اندام حقیقت مشهود کشیده شده است و همچون صدفی، گوهر آن را در برمی گیرد و دستیابی به گوهر حقیقت در مشاهدات مثال مقید، نیازمند فشرزدایی و ارجاع صورت ظاهری به حقیقت باطنی است؛ زیرا صورتی که برای صاحب مشاهده رخ نموده فاقد اصالت بوده و مقصود اصلی در باطن نهفته است، عملیات ارجاع ظاهری، به معنای باطنی را «تأویل و تعبیر» می نامند. نکته مهم این است که شهود همواره «در مثال مقید و یا در مثال مطلق» بی واسطه رخ می دهد با این تفاوت که در مثال مقید، پس از مشاهده مستقیم، آنچه که مورد شهود قرار می گیرد توسط نفس صورتگر و قوه خیال آدمی صورتگری شده و در پس لباس های متناسب با خود تمثیل می یابد اما در مشاهدات مثال مطلق، متن حقیقت بدون تمثیل و بدون صورتگری رخ می دهد «تجربه محض» مشاهده مستقیم صورت گرفته در مرحله پسین عارض بر مشهود می گردد» به عبارت دیگر فرایند شهود مستقل از تمثیل شکل می گیرد، ولی در نهایت در مثال مقید صاحب شهود معرفت آمیخته به عناصر بیگانه «از آن رو که برآمده از متن ذات (مدرک)» به دست می آید؛ و شباهت آن با علم حصولی نیز فقط از همین جهت است در علم حصولی، مفاهیم واسطه از نفس ادراک جدا نیست و خارج از فرایند شناخت نیست و حذف مفاهیم واسطه در آن به معنای تبدیل شدن علم به جهل است در حالی که در شهود حاصل از مثال مقید حذف واسطه ها «تعبیر و تأویل» سبب در اصل شناخت و ادراک هیچ دخالتی ندارد.

امام خمینی (ره) می فرماید: حتی مشاهدات مثال مطلق پس از وقوع، در مرحله بعدی، لباس «مثال» بر تن می کند و برای عارف صاحب شهود، به گونه ای تمثیل یافته و در پس صورت رخ می نماید و هیچ تجربه محض و خالص، مشاهده بدون صورت وجود ندارد و همه تجربیات عرفانی، مشوب و آمیخته به صورت های واسطه اند. (امام خمینی (ره)، ۱۴۱۰ه، ۱۲۶-۱۹۰)

نتیجه اینکه از مجموع آنچه گفته شد چهار پاسخ کلی برای پرسش «دلیل وقوع اشتباه در مشاهدات عارف» قابل ارائه است.

۱. پاره ای موارد صور در عالم عین ثابت، بر حسب مقام اقتضا، مشاهده می شود ولی به جهت موانعی در خارج تحقق نمی یابد.
۲. گاه نیز مشاهدات عارف بر حسب اعتقادات شخصی او تصویرگری می شود.
۳. در برخی موارد، اساساً عارف به گمان اینکه مشاهدات باطنی اش بی نیاز تعبیر است آن را از باطن به ظاهر تعبیر نمی کند.
۴. در برخی موارد دیگر با وجود اینکه آن را تعبیر می کند ولی در تطبیق و تعبیر خود دچار اشتباه می شود.

قلب سالک باید در انطباق صور حقایق قرارگیرد تا آنچه قلب دریافت می‌کند رحمانی و اطمینان‌کننده باشد. مثلاً مورد از اموری که مانع این انطباق می‌شود ریاضات غیرشرعی است. لیکن محصول آن چیزی جز القائنات و الهامات شیطانی نیست ترازوی شریعت معیار تمییز و تشخیص دو قسم القائنات صحیح و القائنات فاسد (نفسانی: هاجس و شیطانی: وسواس) می‌شود. هرآنچه که در آن منع شرعی است از نوع القائنات فاسد و هر آنچه که موجب تقرب به خدا می‌شود از نوع القائنات صحیح (رحمانی) است. (ابن عربی، ۱۳۷۰ ق، ۲:۸).

نتیجه‌گیری

طبق آیه «۳۰ روم» تمام انسان‌ها بر مبنای فطرت خداجویی آفریده شده‌اند و همواره خداوند را به‌طور ذاتی می‌طلبند، هرچند که در مواردی او را بانام‌های دیگر می‌خوانند پس فطرت انسان‌ها طالب وصول به کمال مطلق است و در تمام آیین‌ها و ادیان (در تمام اعصار) این امر مهم به‌وضوح نمایان است و مهم‌ترین ملاک سنجش کارآمدی و صحت یک ایدئولوژی، چگونگی پاسخگویی به این نیاز ذاتی است.

امام خمینی (ره) به‌عنوان سالک الی الله توجه به کمال مطلق را طی اسفار اربعه «سفرهای چهارگانه» و به‌واسطه جذب و عشق ربانی در آثار خودشان این‌گونه تبیین می‌نمایند: معشوق حقیقی «الله» همواره در پرتو نور خود مختفی است پس با سلوک باطنی و سفرهای درونی چهارگانه، سالک الی الله باید حجاب‌های ظلمانی و نورانی را از میان بردارد و به‌سوی کمال فطری خویش رهسپار و اسرار و رموز الهی بر او منکشف گردد که این امر به‌نوعی تجربه دینی محسوب می‌شود سلوک علمی و عملی تنها با طهارت ظاهری و دستورات عمل‌های شریعت امکان‌پذیر است، زیرا که تعلقات قلبی «قوه شهویه و التذایه» حجاب میان قلب انسان و حق است و بهره‌گیری از این دو قوه خارج از احکام شرع این حجاب‌های ظلمانی را ضخیم‌تر می‌نماید و سرمنشأ تمام خطاها و لغزش‌های او می‌شود و از حضور قدس ربوبی غافل می‌گرداند لذا انسان انتخاب‌گر همان‌گونه که سوره حمد متذکرشده است با حرکت در صراط مستقیم «دستورات شرعی» به‌غایت تربیت و هدایت بشری و کمال مطلق «الله» که دعوت تمام انبیاء و بزرگان اولیاء است، می‌تواند دست پیدا کند و در غیر این صورت جزو مغضوبین و ضالین خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. مفاتیح الجنان
۴. امام خمینی (ره) روح الله. (۱۳۷۳). آداب الصلوه. چ چهارم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۵. ----- (۱۳۸۹). تفسیر سوره حمد. چاپ دوازدهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۶. ----- (۱۴۱۰ه.ق). تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس. قم: موسسه پاسدار اسلام.
۷. ----- (۱۳۷۲). صحیفه امام. چ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. ----- (۱۳۷۳). صحیفه امام. چ اول، تهران: نشر اطلاعات
۹. ----- (۱۳۷۵). چهل حدیث. چاپ هفتم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. ----- (۱۳۷۵). سرالصلوه. چاپ چهارم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. ----- (۱۳۷۷). شرح حدیث جنود عقل و جهل. چ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۲. ----- (۱۳۷۸). صحیفه امام. چ اول، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۳. ----- (۱۳۷۹). دیوان امام. چاپ ۲۷، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۴. شاه‌آبادی، میرزا محمد علی. (۱۳۸۸). رشحات البحار. نشر فراهانی
۱۵. صادقی ارزکانی، محمدمامین. (۱۳۸۷). سیمای اهل بیت علیهم السلام در عرفان امام خمینی (ره). نشر عروج وابسته به موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. طباطبائی، فاطمه. (۱۳۹۲). سخن عشق، دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و ابن عربی. چ سوم. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.
۱۷. علامه طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۸۳). المیزان، محمد باقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، نشر فرهنگ رجاء و موسسه امیرکبیر.
۱۸. قائم مقامی، سید عباس. (۱۳۸۱). درآمدی بر کشف معنوی. کنگره گرامیداشت امام خمینی (ره).
۱۹. قائم مقامی، سید عباس. (۱۳۹۷). سیری گذرا بر اندیشه فلسفی و عرفانی امام خمینی (ره) سفر عشق. چ ۲، تهران: فکر برتر.

۲۰. مجموعه مقالات برگزیده همایش اندیشه اخلاقی عرفانی امام خمینی (ره). (خرداد ۱۳۸۶).
موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). دفتر قم.
۲۱. مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۸۸). تجربه‌های عرفانی در دین. قم: موسسه بوستان کتاب.
۲۲. مظاهری، عبدالرضا. (۱۳۹۶). وحی و تجربه دینی از دیدگاه ابن عربی و روشنفکری معاصر. تهران:
نشر نفحات
۲۳. مهدی افشار، غلامحسین. (۱۳۸۸). فرهنگ معاصر فرهنگ‌نامه فارسی. تهران: نشر.
۲۴. میبیدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۷۶). تفسیر عرفانی قرآن مجید، کشف‌الاسرار (ده جلد) خواجه
عبدالله انصاری. اقبال.
۲۵. وکیلی، هادی. (۱۳۸۹). گلچین عرفانی امام خمینی (ره) نوبت سوم. پژوهشکده امام خمینی (ره) و
انقلاب اسلامی.



Received: 2022/10/31

scientific quarterly journal of Islamic mysticism

Accepted: 2023/1/10

(Erfan.eslami.zanjan@gmail.com)

Vol.21/No.81/Autumn2024

<https://sanad.iau.ir/journal/mysticism>

Religious Experience and Its Pathology in Verses and Hadiths from Imam Khomeini's Point of View

Mitra Kazemi, Tabriz¹, Mohammad Taghi Faali^{2}, Hadi Vakili³*

PhD Student of Sufism and Islamic Mysticism, Faculty of Law and Theology, Tehran University of Science and Research, Tehran, Iran

Assistant Professor of Islamic Irfan, Faculty of Law and Theology, Tehran University of Science and Research, Tehran, Iran. *Corresponding Author, M.Faali@gmail.com

Associate Professor, Humanities Research Center, Iran.

Abstract

The mystical views of the prominent contemporary mystic in his surviving works, such as the commentary on the description of Fous al-Hekam, Misbah al-Hidaye, Jonud al-Aql wa Eshq, Asrar al-Salwat, are indicative of his religious approach, inspired by the Holy Prophet and the pure Imams (AS). They repeatedly and decisively declare that the appearance and the interior of the Sharia are inextricably linked, so that they consider the appearance of the truth to be the Sharia, that without doing the duties of the Sharia, the interior cannot be reached, and the mystic must rise to the exterior and abandoning the appearance of the "law" is the invalidation of the appearance and the inside of the laws, and this is one of the talismans of jinn and man. As discussed in the verse of Fitrat (A'raf/172). From the point of view of Imam Khomeini, if someone has not achieved the inner and guidance that he mentioned in Surah Hamd by doing the divine duties, then he should know that he has not done the outer right. From the unity of man and the world, we learn that the internalization of the "self journey" is the only way to know the truth of existence. Because the five levels of the universe, in the plural, do not have an independent identity from each other, and they are all manifestations of one truth, they describe the four journeys of the "4th Sefr", they describe the journey of the seeker and the veils of the journey to God, the love and attachment of the world, which respect The standards of the Sharia are considered to remove and break the veils between the truth and the human heart, and it is through the customs of the Sharia that the soul's journey takes place and the religious experience is achieved for the seeker

Keywords: Religious Experience, Imam Khomeini, Conduct, Sharia, Path to God